

پاسخ به آقای چمن آرا

قانون اساسی و هزل و اتهام کیفری

ایرانیار گرامی آقای چمن آرا

نامه حضرتعالی را خواندم متأسفانه جواب نبود.

گله شما به اینکه بنده به موضوع قانون اساسی شما توجهی نکرده ام یک امر منطقی است که در اصطلاح به آن هزل گفته میشود؛ هزل آن عملی است که حرمت های اجتماعی را بباد استهزا میگیرد.

تشخیص هزل امری نسبی است، بنده در این تشخیص قرار گرفته ام که تنظیم قانون اساسی درشرانظ کنونی ازجانب افراد، ورود به حریم های ممنوعه حقوقی است.

بنابراین اگر انتظارحضرتعالی درورود به بحث قانون اساسی تحقق نیافته، علت همان هزل است، شاید حضرتعالی ندانید که درطول ۳۵ سال گذشته دهها نفر درصدد تکرار بازی قانون اساسی شما بوده اند و تکرار هزل دیگر اشتباه تلقی نمیشود.

تر گفتگوی حضرتعالی که علاقمند به مشارکت و یا لااقل تحویل آن هستید این است که (به خیال شما) چون در سال ۲۰۲۰ جمهوری اسلامی ساقط میشود پس ازحالا قانون اساسی آن زمان تهیه شده که مردم در آن سال بی سامانه حقوقی نباشند نام این عمل **هزل کودکانه** و شاید هم **احمقانه** است. انتظار تحویل مردم از این تر، مشارکت در بازی هزل کودکانه است.

سوالی که در ابتدای نامه از حضرتعالی شد موارد منتسب به شاهنشاه ایران و قانون اساسی مشروطیت بود که حارسه و عارضه اصلی نامه محسوب میشود؛ و شما تاب پاسخ به همان مطالبی را که بسیار بار حقوقی دارد نداشتید و حتی به آنهم اشاره نفرمودید؛ حیرانم کسی که قانون اساسی مینویسد چگونه ممکن است به اهمیت سوال مزبور و آثار آن بی توجه بماند.

این تنها شما نیستید که چیزی شنیده اید و آنرا ادعا میکنید بسیاری در این مسیر بوده اند حتی فرزند شاهنشاه هم به این ادعا معروف شده اند که از ایشان کتبا خواسته شده موارد تعدی شاهنشاه به قانون اساسی را بفرمایند که هیچگاه به آن درخواست تمایلی نشان نداده اند در همین ماه های اخیر آقای علینقی عالیخانی و دیگران هم بوده اند که تجدید مطلع کرده اند و از آنان دعوت به ارائه موارد دخالت شاهنشاه در قانون اساسی و نادیده گرفتن آن گردید. آقای نورمحمد عسگری هم در کتابشان به موضوع نادرست بی اعتنائی شاهنشاه به قانون اساسی صراحت داده اند که کتبا بموجب فکس و دریافت رسید از ایشان درخواست موارد شد و با آنکه کتبا از انتظار بنده به جواب مستحضر شدند تاکنون که سالها میگذرد پاسخی نگرفتم.

این رویداد به حضرتعالی توصیه میکند که چیزی را اعلام کنید و شهادت بدهید که برحقیقت آن مسلط باشید. انسان عاقل به روایات دیگران مترصد و متوسل نمیشود؛ در فرهنگ و ادبیات ما بیتی است که میگوید:

هر روایت که شنیدی به هوا باز فرست کز روایت نتوان یافت حقیقت دگری

سوال دوم نسبت به موضوع راکتور فرسوده، هزل نبود و اتهام کیفری است، که با جواب حواله به دیگران روبرو شده است. فکرمیکنم شما هم با این اصل مهم آشنا باشید که هر کس مسئول اظهارات خودش است و مورد سوال از شما از موارد حواله کردن به دیگران نیست.

حضرتعالی خواسته اید با نشانی محل کار والاحضرت اشرف و والاکهرشهرام پهلونیا سر قضیه را بهم بیاورید ولی فراموش کرده اید که **معامل به همه عیب نهان بینا بود** < همچنین از یاد برده اید که همه متهمین ابتدا با آدرس غلط خیال میکنند از مخصه رها شده اند.

سوال کننده همانطور که در کتاب خاطرات وکیل دربارنوشته است سالهای سال وکیل فعالیت های تجاری والاحضرت شاهدخت اشرف و والاکهرشهرام بوده ام اولاً هیچگاه و در هیچ زمانی آنان دفتر مشترکی نداشتند تا چه رسد که بزعم شما دفتر مشترک آنان در خیابان ویلا روبروی قنادی دانمارکی باشد. دفتر شرکت تجاری والاکهرشهرام پهلوی نیا در خیابان فیشرآباد (خیابان زاهدی) بعداً تغییر نام به قرنی عمود بر خیابان تخت جمشید (بعداً خیابان طالقانی) بود و عمل گروگان گیری والاکهرهم در همین محل روی داد و دفترایشان هیچ تغییر محل هم نداشت.